

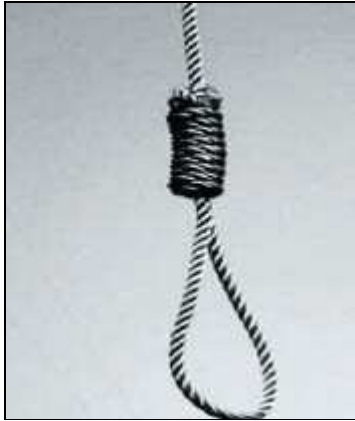
2 پرونده جداگانه برای 2 معنای که مرتکب قتل شده بودند

زن و مرد خطاکار قصاص شدند

زن و مردی معناد که در پرونده‌های جداگانه مرتکب قتل شده بودند، قصاص شدند.

کد خبر: ۶۹۳۵۹۸

تاریخ: ۰۳ دی ۱۳۹۳ - ۰۹:۰۳



به گزارش خبرنگار ما، اولین پرونده 21 بهمن ماه سال 88 در کرج تشکیل شد. وقتی مأموران پلیس در محل حاضر شدند متوجه شدند که دانیال با بند ساکی که به دور گردنش پیچیده شده بود، کشته شده است. همسر او که پلیس را از ماجرا باخبر کرده بود، گفت: «ساعتی قبل برای خرید از خانه بیرون رفتم. شوهرم در خانه تنها بود و داشت مواد مصرف می‌کرد. وقتی برگشتم دیدم که با بند ساک خودکشی کرده است.» پس از آن بازپرس در محل حاضر و جسد برای تشخیص علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد.

در حالی که بررسی‌ها ادامه داشت، گزارش پزشکی قانونی نشان داد که علت فوت خودکشی نیست بلکه دانیال بر اثر فشار بر عناصر حیاتی

گردن کشته شده است. کارآگاهان بار دیگر از همسر دانیال تحقیق کردند. او این بار به قتل شوهرش اقرار کرد و گفت: «من و دانیال چند سال قبل با هم ازدواج کردیم تا اینکه هر دو به مصرف مواد اعتیاد پیدا کردیم. به خاطر تهیه پول مواد مجبور شدیم وسایل زندگی‌مان را بفروشیم به طوری که دیگر چیزی برای فروش نداشتیم. زندگی خیلی دشواری داشتیم تا اینکه شوهرم پیشنهاد داد خودمان را از زندگی خلاص کنیم. من هم قبول کردم. قرار شد من ابتدا او را به قتل برسانم و بعد خودکشی کنم. بند ساک را به دور گردنش پیچیدم و آنقدر فشار دادم تا اینکه جان خودش را از دست داد. وقتی خواستم خودکشی کنم، ترسیدم و پشیمان شدم به خاطر همین پلیس را باخبر کردم و مدعی شدم که دانیال خودکشی کرده است.»

بعد از اقرار زن جوان وی به اتهام قتل عمد بازداشت شد و در تحقیقات بیشتر هم به قتل اقرار کرد. با کامل شدن بررسی‌ها، بازپرس وی را مجرم شناخت و پرونده با صدور کیفرخواست روی میز هیئت قضات شعبه 113 دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت. در جلسه محاکمه اولیای دم گفتند که از عروس‌شان شکایت دارند و خواسته‌شان قصاص است. ناهید هم وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت «از کاری که کرده‌ام پشیمان هستم. زندگی دشواری داشتیم. چند بار برای ترک به کمپ رفتیم اما نتوانستیم مواد را ترک کنیم تا اینکه دانیال آن پیشنهاد را مطرح کرد.» دفاعیات ناهید از سوی هیئت قضایی پذیرفته نشد و قضات دادگاه رأی به قصاص وی دادند. رأی دادگاه از سوی قضات شعبه 27 دیوان عالی کشور تأیید شد و ناهید در يك قدمی طناب‌دار قرار گرفت. پس از آن ناهید برای جلب رضایت اولیای دم تلاش کرد اما آنها حاضر به اعلام گذشت نشدند. بعد از انجام مراحل قانونی اجرای حکم، ناهید چند روز قبل در زندان رجایی شهر کرج پای چوبه دار قرار گرفت و مجازات شد.

مجازات سارق معناد

دومین اعدامی، مرد معنای بود که با انگیزه سرقت مرتکب قتل شده بود. 18 بهمن ماه سال 88 مأموران گشت پلیس جسد سوخته مردی را در رودخانه جاجرود کشف کردند. بعد از انتقال جسد به پزشکی

قانونی، کارآگاهان متوجه شدند که اعضای خانواده‌ای در تهران گم‌شدن ناگهانی مردی به نام بهمن را گزارش کرده‌اند. آنها بعد از حضور در پزشکی قانونی هویت بهمن را شناسایی کردند. برادر مقتول به کارآگاهان گفت: «برادرم خودرویی داشت که آن را به دو نفر از دوستانش کرایه داده بود. علی و مجید هم به نوبت روی خودروی برادرم کار می‌کردند و بخشی از درآمدشان را به عنوان کرایه به بهمن می‌دادند. یک روز قبل از حادثه بود که بهمن متوجه شد خودرو دچار خسارت شده است. علی و مجید هم تقصیر را به گردن هم می‌انداختند. روز حادثه مجید تماس گرفت تا در این باره با برادرم حرف بزند. بعد هم با هم قرار گذاشتند و برادرم سر قرار رفت. بعد از آن بود که دیگر از بهمن خبری نشد.

بعد از به دست آمدن این سرخی، کارآگاهان مجید را بازداشت کردند. او گفت من از سرنوشت بهمن خبر ندارم اما زمانی که کارت عابرانک بهمن در خانه مجید پیدا شد به قتل او اقرار کرد. بهمن گفت: «مدتی بود که به مصرف مواد اعتیاد پیدا کرده بودم. از وقتی روی ماشین بهمن کار می‌کردم هزینه تأمین مواد کفالم را نمی‌داد تا اینکه با زنی به نام مرجان آشنا شدم و او را صیغه کردم. روز حادثه می‌خواستم به دیدن مرجان بروم اما برای خرید هدیه پول نداشتم. با بهمن تماس گرفتم و او را به بهانه دادن خسارت به خانه‌ام کشاندم. وقتی وارد خانه‌ام شد ماجرای مرجان را توضیح دادم و خواستم به من مقداری پول قرض دهد. بهمن هم قبول کرد و 30 هزار تومان پولی را که همراهش بود به من داد. این مقدار پول اما برای من کافی نبود. در فرصتی مناسب با چاقو دو ضربه به او زدم اما خیلی زود از کاری که کرده بودم پشیمان شدم. بعد کارت عابرانکش را سرقت کردم و مقداری پول برداشت کردم. سپس جسدش را به رودخانه جاجرود بردم و آنجا آتش زدم. سپس به قم رفتم و خودروی مقتول را به یکی از دوستانم فروختم. مقداری از پول را گرفتم و قرار شد بعد از دادن مدارک بقیه پول را بگیرم که مأموران من را بازداشت کردند.»

مجید در بازجویی‌های بیشتر هم به قتل اقرار کرد و گفت از کاری که کرده پشیمان است و درخواست گذشت دارد. اولیای دم اما با درخواست او موافقت نکردند و در جلسه محاکمه که در شعبه 71 دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد برای او درخواست قصاص کردند. قضات دادگاه هم بعد از شور مجید را به قصاص محکوم کردند. رأی دادگاه با اعتراض مجید به دیوان عالی کشور فرستاده شد و قضات شعبه 15 دیوان عالی کشور رأی را تأیید کردند. مجید چند روز قبل و بعد از انجام تشریفات قانونی در زندان رجایی‌شهر کرج قصاص شد.